

آورد و خط نستعلیق و شسته حسن سید

به اهتمام و خط
استاد حسن آهنگران



سال انتشار: ۱۳۹۰

ناشر: انتشارات اعلایی

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی و چاپ: سپهر نوین

شابک: ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۴۱۶-۶-۱

این کتاب با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.

سرشناسه: آهنگران، حسن ۱۳۲۱

عنوان و نام پدید آور: ره آوردی بر خطوط نستعلیق و چلیپایی: بر زلف کرشمه: رباعیات اثینی و تمثیلی شاعر معاصر استاد سید علی اصغر صائم کاشانی. هم: اعلایی، ۱۳۹۰. ۲۹۲ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال: ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۴۱۶-۶-۱

فهرست نویسی: براساس اطلاعات فیما

۱. خط نستعلیق ۲. خط شکسته ۳. خوشنویسی ۴. شعر فارسی - قرن ۱۴.

رباعی - قرن ۱۴. الف. صائم. علی اصغر، ۱۳۳۱ - ب.

عنوان ج. عنوان. بر زلف کرشمه

رده بندی کنگره: NK۳۶۳۹ / ف۲۳۱۹

رده بندی دیویی: ۷۴۵ / ۶۱۹

شماره کتابشناسی ملی: ر ۱۹۲۹

۱۳۹۰

حق چاپ برای مولف محفوظ است

سودر خط نستعلیق و شسته
حنسیه

به اهتمام و خط
اشاد حسن آهنگران

بر زلف کرم

رباعیات آئینی و شبلی

شاعر محاسن : اشاد صائم کاشانی

مقدمه

یکی از قدیمی ترین توالب شعر پارسی رباعی است و قدمت آن به بلندای تاریخ این مرز و بوم می رسد .
 قالب رباعی علاوه بر این که کاملاً ایرانی است ، در ادبیات عرفانی ، اخلاقی و عشقی مانند راجا بکا و نثره ای
 بر خوردار بوده و می باشد .

الطی تحقیق و پژوهش ریشه رباعی را در گاته های زرتشت نهضت پیاپی ایرانی می دانند و بسیاری نیز
 بر آنند که وضع دهن زیاده بی بدل رباعی سراینده شعر بوی جمعی موسیسان آیدیمی «شاعری همانند سرفند
 و پدر شعر پارسی می دوی بزرگ در قرن چهارم بوده است تعداد رباعیاتی که از رودکی بجای مانده می پنج
 رباعی است .

پس از رودکی شعرا طایفه صدری همانند عطار و شایبوری که در کتاب مختار نامه و حسن ارباب رباعی سر
 است و خاتم در قرن چهارم و پنجم رباعیاتی دارد که در این انجم و استحکام است و غالباً فلسفی است و
 تعداد دقیق رباعیاتی که از سروده های خاتم بار رباعیاتی که فربس خاتم است بشخص نیست و نیز از حمزه نیشابوری
 تنها شاعر شعر رباعی کوی ایران رباعیات بسیار زیبایی باقی است و در قرن ششم و هفتم مولانا رباعیاتی سروده
 است که تعداد آن حدود یک هزار و نهصد رباعی است و بیشتر رباعیات مولانا از ضمیمه عرفانی خود را است
 شیخ اجل سعدی هم یکصد و پنجاه رباعی سروده است و تعداد رباعیات خواجسته سعدی هم حدود یکصد و پنجاه
 شیرازی به چهل رباعی می رسد .

رباعی ناخود اذوا رده « رباع » به معنی چهار تایی است و دو بیت شعر را که متشکل از چهار مصرع و
 وزن جمله لا حول لا قوه الا بالله می باشد ، رباعی گویند .

در رباعی از اوزان بسیاری استفاده می‌گردد و بیت و چهار وزن از خصوصیات مثبت رباعی است و بحر هزج از حسن‌های دیگر این قالب است.

رباعی تنها قالبی است که شاعر مجاز است در هر یک از چهار مصرع یکی از اوزان هجده گانه یا بقیه برخی از ادیان از آن بیت و چهار گانه را به کار ببرد و نیز باید عرض کنم که وزن رباعی از چهل و هشت بجا تشکیل شده است. می‌توان رباعیات بر جای مانده از گذشته را به سه دسته تقسیم نمود:

یک، رباعی عاشقانه؛ مانند رباعیات رودکی سمرقندی

دو، رباعی عارفانه؛ همچون رباعیات ابوسعید ابوالخیر، عطار و مولانا

سه، رباعی فلسفی؛ همانند رباعی‌های حکیم سرخس، خاتم و حکیم افضل الدین محمد مرقی کاشانی مشهور به «بابا افضل»

رباعی در حقیقت قالبی است پویا و پایا و پایه‌های محکم و مضامین نو و هر گونه قالب شعر نو پیش می‌دود و هیچ زمانی متوقف نگردیده و نخواهد گشت.

شاعر رباعی سرادامی اندیشه‌های والات و بسیار ماهرانه به بلیغ اندیشه و حمایه عرفان می‌پردازد و هزاره حرف تازه‌ای برای گفتن دارد.

یکی از رباعی‌سرایان معاصر که حق می‌توان اندیشه‌های فلسفی و عرفانی و آیینی را در رباعیاتش به نظر نهشت، شاعر بزرگ و زکار ما استاد صائم کاشانی است.

وی از آن جایی که تفکرش از حرکت برخوردار است و بر جهان مدرن کاغذ استیلا دارد، ضمنی

در رباعیاتش استحکام رباعی، مایه خستام و عرفان ابو سعید و مولانا جباری ساری است؛ لیکن تأمل غزل‌ها
از ویژگی‌های موزیسیایی و ابداعات و نوآوری‌هایی که از خصوصیات اشعار ایشان است، برخوردار می‌باشد.
این جانب، رباعیات استاد صائم کاشانی را پس از نگارش مابین تسلیت و شکسته تسلیت در پنج
بخش تقسیم نمودم تا پژوهشگران رشتین و متذوقان شفیق آسان تر به مطالعه و تفحص در آن بپردازند.

بخش نخست (در مایه عطش، نام دارد و به پیشگاه والای چهارده خورشید فروغ آفرین تقدیم گردیده
است) همانگونه که از عنوان آن برهن است «در این بخش رباعیات آینه‌ی شاعراست و بخش دوم به شیرین
نام گرفته و به پیشگاه والای شهبان انقلاب اسلامی تقدیم شده است و بخش سوم تحت عنوان «عشق ایوبی»
است و در توصیف مهربان‌ترین موجود در بین انسان‌ها یعنی مادران ایران اسلامی است.

چهارمین بخش (دل‌اشاره)، نام گرفته و در رباعیات عشق و عسرفانی است و بخش پنجم که در
واقع مهم‌ترین بخش کتاب است، در رباعیات تمثیلی است که از حال و هوای خاصی برخوردار است و
استاد صائم کاشانی با نوآوری و ابداعات و تسلط بر معانی و بیان استعارات و استعارات و کنایات و
مجازات و تمثیلات به درستی و ادب و ادوات و محسوس می‌توان گفت آنچه در این پنج بخش قابل توجه
و درخور تأمل است، نوآوری‌های بی‌جهانده صائم کاشانی است.

در پایان، ای عموم دوستداران قد پاری به‌یژه شاعران گرامند و خوشنویسان هنرآوند
ادب آفرینی که از جام رباعی زلال با درمی‌نوشند، آرزوی روزگاری طرب‌نوش دارم.

بسیاس
حسن بهمن‌نکران

بخش نخست: دریای عطش، به پیشگاه والای چهارده خورشید فروغ آفرین

مطلع شعر

۱۰	یارب یارب به گل تباران سوگند	۱	سوگند
۱۲	از جام سحر مست و طربناک شدم	۲	شهریار لولاک
۱۴	در باغ نبی گل نبی جلوه گر است	۳	فرخنده نهال
۱۶	در غار حرا فروغ جان گشت پدید	۴	وسعت عاطفه ها
۱۸	گردید بهار و دل شکوفا شده است	۵	گلشن نور
۲۰	مستم مستم ز دولت ساغر عشق	۶	میکده نور
۲۲	خندان خندان به بزم جان ساغر نور	۷	ساغر نور
۲۴	ای خسرو عشق یار شیرین حرکات	۸	خسرو عشق
۲۶	بر خاتم نور می پرستان صلوات	۹	خاتم نور
۲۸	بر سید ملک عشق، احمد صلوات	۱۰	جمال دوست
۳۰	هنگام طلوع عشق در وقت صلات	۱۱	طلوع عشق
۳۲	یاران یاران چه غم به روز عرصات	۱۲	خاتم عشق
۳۴	خورشید صفا، فروغ مینای علی	۱۳	میخانه باور
۳۶	مرآت دل از علی صفا می گیرد	۱۴	مرآت دل
۳۸	در ساغر جان شراب دیگر باشد	۱۵	گلباده آفتاب
۴۰	دل باشد و خاطرات شیدایی دوست	۱۶	طلوع زهرایی
۴۲	رفتم به چمن که جان معطر دارم	۱۷	گل یاس
۴۴	بانوی سپید آب کرده ست طلوع	۱۸	بر زلف کرشمه
۴۶	میلاد گل است و باغ باران آبی است	۱۹	میلاد گل
۴۸	از مشرق نور، سر زند دختر نور	۲۰	قصر سحر
۵۰	نوزاد گل سرخ، چو پروانه مهر	۲۱	افق زار نگاه
۵۲	در دست شفق، ستاره، گیلای بین	۲۲	دختر نور
۵۴	تا بانوی عشق، در غزلگاه نگاه	۲۳	بانوی عشق
۵۶	با عطر گل یاس، ز هوشم بردند	۲۴	میکده نگاه
۵۸	با هسته هست دوست، هستم دادند	۲۵	همدوش شمیم
۶۰	حسن حسن است مایه شوکت و ناز	۲۶	حسن حسن
۶۲	دریای عطش لبان پر گوهر تو	۲۷	دریای عطش
۶۴	تا لوح فلق نقش به نام تو گرفت	۲۸	لوح فلق
۶۶	اشکیم که بی قرار عاشورایم	۲۹	از تبار عاشورا
۶۸	بر زلف چمن، به دشت جان، تاب افتاد	۳۰	ماه زمین

۷۰	در قاب غزل، غزال تاسوعا بود	۳۱	غزال تاسوعا
۷۲	چشمت به صفا، فروغ مهتاب شده است	۳۲	آه جگر ناب
۷۴	بر دست عطش به خون شناور شده است	۳۳	گهوارهٔ عشق
۷۶	آن گل که به اشک دیده آتش دادند	۳۴	جرعهٔ ناب
۷۸	بر دست عطش به خواب رفتی، آری	۳۵	بر دست عطش
۸۰	با حرمت عشق، از حرم آمده است	۳۶	سرو است ولی...
۸۲	از دیده گلاب اشک جاری می‌کرد	۳۷	زلف سه ساله
۸۴	پیشانی آفتاب داری، آری	۳۸	گلنغمهٔ نور
۸۶	علم تو شکافت، ساحت سینهٔ صبح	۳۹	آئینهٔ صبح
۸۸	شاد آن که فروغ صبح صادق باشد	۴۰	فروغ صبح
۹۰	خوبان که ز خلق نیک، کاظم هستند	۴۱	شاهد آرزو
۹۲	با قافلهٔ صبر و رضا آمده‌ایم	۴۲	بارگهٔ لطف
۹۴	آئینهٔ مهر و شرف و داد تویی	۴۳	ماه خداداد
۹۶	ایام سرور و شور و شادی آمد	۴۴	مأذنهٔ عشق
۹۸	آئینهٔ نور حیدری آمده است	۴۵	گلشن ایجاد
۱۰۰	شب تا سحر، ز هجر رویت ای ماه	۴۶	دل بی‌قرار
۱۰۲	با جمعهٔ نور، هم سفر می‌آید	۴۷	جمعهٔ نور
۱۰۴	باز آ که غزل غزالکی مجنون است	۴۸	دل رباعی
۱۰۶	گفتم غزلی در انتظار آورمت	۴۹	ترانهٔ بهار
۱۰۸	دائم که شبی شهاب من خواهی بود	۵۰	پیمانهٔ آفتاب
۱۱۰	یک روز سری به خانه‌ام خواهی زد	۵۱	می‌ترانه
۱۱۲	موجیم ز خویشتن بریدیم بیا	۵۲	شرر پوش
۱۱۴	روزی که دلم دچار بی‌صبری بود	۵۳	غزالک غزل
۱۱۶	در باغ دلم، بهار را باز آور	۵۴	با آمدنت...
۱۱۸	تا صبح ظهور منتظر می‌مانیم	۵۵	فصل عبور
۱۲۰	پیغام زلال ماهتابی آری	۵۶	فصل ترانه
۱۲۲	تا چند در انتظار باشی دل من؟	۵۷	بدون یار
۱۲۴	با نغمهٔ دلربای جانان آید	۵۸	سروِ باران
۱۲۶	در کعبهٔ احساس، قرار می‌دارد	۵۹	کعبهٔ احساس
۱۲۸	رخسارهٔ ماه توست، آئینهٔ عشق	۶۰	آدینهٔ عشق
۱۳۰	در خواب بدیدم آن قمر، آمده است	۶۱	مشرق نور
۱۳۲	می‌خواستم در تو شکوفا شوم نشد	۶۲	همدم گلها
۱۳۳	بخش دوم: شمشیر شفق، به پیشگاه والای شهیدان عشق		
۱۳۴	از کوثر دوست، بادهٔ ناب زدی	۶۳	اقلیم سحر
۱۳۶	پیراهنی از ستاره در بر کردی	۶۴	شاهد آفتاب
۱۳۸	شمشیر شفق، به دست آهیخته بود	۶۵	شمشیر شفق
۱۴۰	از خون تو، غنچهٔ ولا می‌روید	۶۶	گل خدا
۱۴۲	تا پیک سحر، ز دست تو جام گرفت	۶۷	پیک سحر
۱۴۴	از عرصهٔ خون، ستاره بر تن آمد	۶۸	ستاره بر تن
۱۴۶	یارب یارب به ملک ایران سوگند	۶۹	ترنم نور
۱۴۸	امشب به تار عشق من گلنغمه‌ای دیگر بزن	۷۰	تار عشق

۱۴۹	بخش سوم: عشق اهورایی، به پیشگاه والای مهر آفرینانی که بهشت را زیر گاهم‌های خود می‌نوازند	
۱۵۰	قریان وفات، مادر ای مادر خوب	۷۱ نازم به صفات
۱۵۲	ای مادر مهربان من، جان منی	۷۲ جانان منی
۱۵۴	از بعد خدا، خدای من هستی تو	۷۳ باده نگاه
۱۵۶	تفسیر سرود مهربانی مادرا	۷۴ گلخند مهربانی
۱۵۸	مادر تو فروغ مهربانی هستی	۷۵ عشق جاودانی
۱۶۰	سرمست ز باده الستم کردی	۷۶ مهر پرست
۱۶۲	دستان تو رنگ مهربانی دارد	۷۷ گلنغمه ناب
۱۶۴	نازم به تو و عشق اهورایی تو	۷۸ عشق اهورایی
۱۶۶	روز تو طلوع مهربانی مادر	۷۹ طلوع مهربانی
۱۶۸	گلبوسه زخم ز جان به رویت مادر	۸۰ بهشت آرزوها
۱۷۰	باز آ که با چشمت امشب روشن بینم جهان را	۸۱ خورشید قائم
۱۷۱	بخش چهارم: دل اشاره‌ها	
۱۷۲	گفتم عمرم، گفت: تباه است تباه	۸۲ گفتم، گفت:
۱۷۴	نثر تو به شعر ناب پهلوی زده است	۸۳ چشمه آفتاب
۱۷۶	چشمان تو شکر ساغر شیدایی است	۸۴ ساغر شیدایی
۱۷۸	دریای دلم همیشه طوفانی توست	۸۵ دشت نگاه
۱۸۰	گلرقص زلال آب را می‌مانی	۸۶ آئینه آفتاب
۱۸۲	از باغ طرب، ترانه را می‌بردند	۸۷ چراغ خانه
۱۸۴	گل‌های سپیده را به سر خواهم زد	۸۸ غروب عشق
۱۸۶	از دشت افق، شبی گذر خواهم کرد	۸۹ شهر ستاره‌ها
۱۸۸	آئینه عشق عاشقان پروانه	۹۰ پروانه
۱۹۰	نجوای دلی به گوش یاران ای یار	۹۱ مژگان سحر
۱۹۲	پیمان شکسته‌ات دلم آزاده است	۹۲ پیمان شکسته
۱۹۴	تصویر زلال باغ باران با توست	۹۳ نیلوفر مهر
۱۹۶	خورشیدی و جان‌فزا تو از هر روزی	۹۴ جان‌فزا تو
۱۹۸	آوای امید و نغمه ناهیدی	۹۵ نغمه ناهید
۲۰۰	تا روی زمین نشان ز استبداد است	۹۶ استبداد
۲۰۲	امروز کنار آب، تابی خوردیم	۹۷ در نصف جهان
۲۰۴	دل را به ضریح عشق بستم یک عمر	۹۸ ضریح عشق
۲۰۶	هشدار رفیق با منافق نشوی	۹۹ هشدار
۲۰۸	تا خاطر جمع از تو پیدا کردم	۱۰۰ خاطر جمع
۲۱۰	همپای نسیم نوبهاران استیم	۱۰۱ باغ باران
۲۱۲	نازم به ترانه هزاران سخن	۱۰۲ یاران سخن
۲۱۴	ما و غزل و ترانه و دیگر هیچ	۱۰۳ بهشت موعود
۲۱۶	همپای نسیم ای گل شور تو به سر دارم	۱۰۴ همپای نسیم
۲۱۷	بخش پنجم: رباعیات تمثیلی	
۲۱۸	دردا نتوانی به نوایی برسی	۱۰۵ چشم آب نمی‌خورد
۲۲۰	گر دل به امید و عشق، پیوست تو را	۱۰۶ هر دست دهی...
۲۲۲	دل را به صفا و عشق پیوند بزن	۱۰۷ چینی خاطر
۲۲۴	داغیم، دلی به لاله‌زاران زده‌ایم	۱۰۸ سنگ به سینه
۲۲۶	با آن که هزار مشغله گرد من است	۱۰۹ استاد تو

۲۲۸	با این همه ادعا چه می‌دانی هیچ!	۱۱۰	چه می‌دانی؟ هیچ!
۲۳۰	ای دوست بیا که شد بهار گل سرخ	۱۱۱	بهار گل سرخ
۲۳۲	از دست تو شمشیر شفق خونریز است	۱۱۲	آخر پاییز
۲۳۴	خورشید منی اگر چه گفتم ماهی	۱۱۳	آبِ گلِ آلود
۲۳۶	هر چند به لب کلام مستهجن داشت	۱۱۴	هر چند
۲۳۸	تا چند پی شعر روان باید بود	۱۱۵	تا چند
۲۴۰	گر نیکی من به هر طرف آوازه است	۱۱۶	یک گوش در است و...
۲۴۲	حالا که ز تو اشاره‌ای نیست مرا	۱۱۷	هفت فلک
۲۴۴	با حقد و حسد، جهان تو را زندان است	۱۱۸	مشت بر سندان
۲۴۶	آن یار که یک‌روست، به هر سو نرود	۱۱۹	یک چو نرود
۲۴۸	لبریز گرانبان تو از دُرّ شده است	۱۲۰	بی مایه فطیر
۲۵۰	آنجا که سفال و گوهر ناب یکی است	۱۲۱	دوغ و دوشاب
۲۵۲	در عشق نبود نمره بیست تو را	۱۲۲	کلاس عشق
۲۵۴	چون کودک اشک، بی‌قراری کردیم	۱۲۳	راز دل
۲۵۶	این سان که زمان دستخوش فقر و فناست	۱۲۴	«عید آمد و...»
۲۵۸	از بس که دل عاشق من سر به هواست	۱۲۵	سالی که نکوست
۲۶۰	ای یار عزیز! لب به سیگار مزین	۱۲۶	ای یار عزیز
۲۶۲	ای گردِ حریم گل مکرر گشته	۱۲۷	از خدا برگشته
۲۶۴	یک لحظه اگر طواف دل می‌کردی	۱۲۸	ای کاش
۲۶۶	ای شاهد دیر آشنا امشب به بزم ما بیا	۱۲۹	شعر انتظار

ملحقات

۲۶۷		۱۳۰	آهنگ هستی
۲۶۸		۱۳۱	شاعر گل‌های سرخ
۲۶۹		۱۳۲	باغ باران
۲۷۰		۱۳۳	مینای عشق
۲۷۱		۱۳۴	شاعر عاطفه
۲۷۲		۱۳۵	آینه بوترباب
۲۷۳		۱۳۶	گلاب غزل
۲۷۴		۱۳۷	ناز شست
۲۷۵		۱۳۸	کوجه‌سار کهکشان
۲۷۶		۱۳۹	بجا یا نابجا
۲۷۷		۱۴۰	شراب شعر
۲۷۸		۱۴۱	میستان آفتاب
۲۷۹		۱۴۲	عید صیام
۲۸۰		۱۴۳	جام هستی
۲۸۱		۱۴۴	بهار آمد
۲۸۲		۱۴۵	و انا عشق
۲۸۳		۱۴۶	نغمه‌گر عاطفه
۲۸۴		۱۴۷	که هست گلناری
۲۸۵		۱۴۸	خون خدا
۲۸۶		۱۴۹	شمع عاطفه
۲۸۷		۱۵۰	سیاه مشق
۲۸۸			